

دکتر مهدی ماحوزی در گفت و گوی اختصاصی با «مفاخر ماندگار»:

اندیشه «نظامی» قابل مصادره نیست



صدرا صدوقی

دکتر مهدی ماحوزی متولد ۱۲ آذر ۱۳۱۴ شمسی در دشتستان است. او پژوهشگر برجسته زبان و ادبیات فارسی، استاد دانشگاه تهران، شاعر و نویسنده‌ای چیره دست است که آثاری متعدد را در حوزه زبان و ادب پارسی شامل کتاب و مقالات تألیف و تصنیف کرده است. کتاب ادبیات فارسی وی از منابع درسی بسیاری از دانشکده‌های زبان و ادب ایران است. این استاد گران قدر هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. به بهانه همایش ملی بزرگداشت حکیم نظامی شاعر پارسی قرن ششم که به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در روزهای ۲۱ و ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۰ برگزار شد، جایگاه و اهمیت این شاعر و حکیم گران قدر پارسی گوی را با ایشان به بحث و گفت و گو گذاشته ایم. استاد در پایان این گپ و گفت تأکید کرد: «این برنامه (بزرگداشت حکیم نظامی) با کوشش‌های ریاست محترم و گران مایه «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» آقای دکتر بلخاری و همکاران ارجمندشان با شکوهی تمام برگزار شد و در مجموع، ابعاد شخصیت حکیم نظامی گنجوی به همت استادانی جست و جوگر و نظامی شناس و به موهبت سخنان از دل بر آمده آنان تحلیل و تبیین گردید.» حاصل این گفت و گورا می خوانید.

مفاخر ماندگار: نظامی گنجوی را بیشتر به عنوان شاعر و ادیب می‌شناسند و حال آن‌که به اعتقاد خیلی‌ها، او فیلسوفی بزرگ، عارفی وارسته و فقیه‌ی مبارز بوده است؛ دیدگاه شما در این باره چیست؟

نظامی، حکیمی ست شاعر، فیلسوفی ست ادیب و فقیه‌ی مبارز و در پیکار با ناراستی‌ها و کزروی‌های مدعیان دیانت و شریعت سخت مقاوم.

خداوند به تعبیر او «سابقه سالار جهان قدم و مُرسله پیوند گلوی قلم» ست و پرده‌گشای فلک پرده‌دار و پرده‌گری پرده‌شناسان کار. مخزن الاسرارش «سرمایه فکر ست و تصویرگر فطرت». نظامی خداوند را پیشوای جهان ماورای طبیعت می‌شناسد که با قلم مشیت خود اندیشه آدمی را ابدیت بخشیده است؛ قلمی که معانی بلند را به صورت الفاظ فاخر و متعالی عرضه می‌کند. اوست که «گلوی قلم» را به گلوبندی مزین به معانی گوهرین می‌آراید. فلک به تعبیر نظامی پرده دار ست و پرده‌گشای که راز سر بمهر جان هستی را، که حضرت حق پدید آورده است، آشکار می‌کند. نظامی با دو ترکیب زیبای پرده‌گری (به معنی پرده‌نشین) و پرده‌شناس (به مفهوم عارف)، در تعبیرهای لفظی ابداع می‌کند. در توصیف «ازلیت» و «ابدیت» حضرت حق، تعبیری فاخر به زبان فارسی دری بکار می‌گیرد که تنها از انتظار می‌رود.

ازل، «دیرگه» ست و ابد، «دیرپای». آری! بیان اندیشه‌های فلسفی و کلامی به زبان افسون‌گر دری، نظامی را از هر گوینده برجسته زبان پارسی متمایز ساخته است.

بدین بیت متعالی نظامی در نعت و منقبت رسول اکرم بنگریم:

«تخته اول» که الف نقش بست

بر دَرِ محجوبه احمد (ص) نشست

تخته اول، کنایتی ست از لوح محفوظ و اعیان ثابت. نخستین حرفی که قلم مشیت پروردگار، پیش از پیدایش جهان، بر این تخته نقش بست، «الف» بود که حرف نخستین کلمه تأمه احمد است. «محجوبه»، به معنی دماغه و کلون «در» ست که به صورت «حمد» در نگارش عربی همانندست.

مفاخر ماندگار: جنبه تآلهی شخصیت نظامی به

نظر شما چه برجستگی‌هایی دارد؟ به خصوص دانش او در قرآن و حدیث؛ گویی شعر او از دل قرآن بیرون می‌آید...

جنبه تآلهی و خداشناسی نظامی را درین بیت آهنگین در «بحر سریع مطوی» موقوف یا مکشوف و با وزن مفتعلن، مفتعلن، فاعلن یا فاعلان، بروشنی می‌توان دریافت:

«فاتحه فکر ت و ختم سخن»

«نام خدای» ست، بدو ختم کن

نظامی درین هنری گنج نخستین - مخزن الاسرار - و در این بیت سرشار از حکمت بالغه الهی اعجاز کرده است و با تلمیحی گویا به دو حدیث شریف نبوی - «الفاتحة کمن من کنوز العرش» و «ان الله کنوزاً تحت العرش مفاتیحه السنة الشعرا» - و نیز به حدیث «ان من الشعر لحکمة» مراتب اعتقاد خود را به حقیقت هستی، قرآن کریم و احادیث نبوی ابراز داشته است. مفهوم این عبارات‌های متین چنین ست «سوره حمد» گنجی ست از گنج‌های الهی در بلندای عرش / خدای را در زیر عرش گنجینه‌هاست و زبان گویندگان و شاعران کلید آن گنج‌هاست / شعر راستین از موازین «حکمت الهی» ست. اوست که گوهرهای معانی را به رشته «عقل مجرد کشد و دیده خرد، را به موهبت «سخن» در خشنودی بخشد. در مناجات «یزدان و بخشایش» او تعبیرهایی عرفانی می‌آفریند:

ای همه هستی ز تو پیدا شده

«خاک ضعیف» از تو توانا شده

آن چه «تغییر» نپذیرد، تویی

وان که نمرده ست و نمیرد، تویی

روشنی «عقل» به «جان» داده‌ای

چاشنی «دل»، به «زبان» داده‌ای

در صفتت گنگ فرو مانده ایم

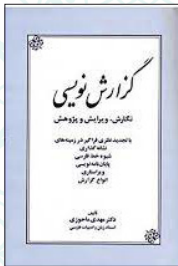
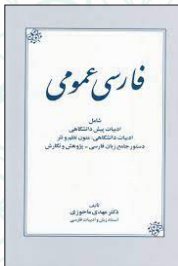
«من عرف الله» فرو خوانده ایم

این بیت اخیر، اشارتی ست به حدیث «من عرف الله، کل لسانه» به مفهوم «هر کس خدای را براستی بشناسد، زبانش از گفتار فرومی‌ماند».

ما که نظر بر «سخن» افکنده ایم

مرده «او» بییم و بدو زنده ایم

«مُرده»، را به معنی «شقیفته» آورده است.



مفاخر ماندگار: به نظر می‌رسد که تأثیر نظامی و اندیشه و شعر او از ایران فراتر رفته و تأثیری شگرف بر ادبیات جهانی و جغرافیای ایران فرهنگی گذاشته است! نظر شما در این باره چیست؟ آیا این بلند آوازی او عاملی شده است که دیگران وی را از آن خود بدانند و به نحوی شخصیت پارسی او را زیر سوال ببرند؟

هر گوینده و حکیم توان گری از هر کجای جهان برخاسته باشد، «جهانی» ست. نظامی گنجوی ما نیز، چه از «گنجه» یا «آذربادگان» برخاسته باشد، یا «تفرش» و «قم» و «کاشان»، چه ایرانی باشد یا غیرایرانی، به همه جهان تعلق دارد. اندیشه هگل و شکسپیر پیش از آن که به آلمان و انگلیس نسبت داده شود، از آن همه جهانست، چه اندیشه را هرگز زندانی نتوان کرد. هانری کورین فرانسوی، هایدگر آلمانی، هرودوت یونانی، ارسطو، افلاتون و سقراط، ابن سینا، ملاصدرا، امام محمد غزالی، شهاب الدین سهروردی و گویندگان برجسته ایران چون رودکی، فردوسی، مسعود سعد سلمان، سنایی، خاقانی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، سعدی، نظامی و نظایر آنها همه و همه متعلق به «تاریخ» و جهان آفرینش هستند و اندیشه را «مصادره» نتوان کرد. اگر امروز آثاری از بزرگان اندیشه جهانی چون: باخر، میلانو، کالامه ماگنو، مینورسکی، ریتر و ورنر دربار اندیشه نظامی فرصت نشر یافته است، گواهی است صادق بر این گفتار.

بدیهی است زبان فارسی از دوران «گاناها» و ظهور «حکیم زرتشت» پیام بر ایرانی و از خلال اوستا و آثار مانی تا امروز لب ریز است از اندیشه‌های سترگ اندیشمندان ایرانی و این حقیقت در راستای تاریخ سرفراز ایران - با همه فراز و نشیب‌هایش - چون خورشید جلوه گریست.

مفاخر ماندگار: آیا نظامی با زبان شعر، سیر درونی خود را از «علم» به «عشق» بیان می‌کند و با خمسه ای که سروده، ادراکات خاص خود را به نمایش گذاشته است؟ نظر شما در این باره چیست؟ بدیهی ست، حکیم نظامی، جز مقاله‌های بیست گانه در «مخزن الاسرار» - آن هم آمیخته با شعر

و حکمت - اندیشه‌های حکیمانه و عاشقانه خود را در خلال پنج گنج (خمسه)، تنها از ره گذر شعر ناب فارسی، به جامعه جهانی عرضه داشته است: مخزن الاسرار / خسرو و شیرین / لیلی و مجنون / هفت پیکر / شرفنامه / اقبال نامه.

نظامی زاده سال ۵۳۵ ه‍.ق در شهر گنجه از بلاد «آذربادگان» و در گذشته سال ۵۹۸ ه‍.ق (در سن ۶۳ سالگی) در همین شهرست و چنان که خود تصریح می‌کند، هنگام سرودن نخستین گنج یا منظومه خویش - مخزن الاسرار - منتظر نقد چهل سالگی بوده است.

در پاسخ این پرسش، به نکته‌ای نغز از «استاد شفیعی کدکنی» در مورد عرفان و شعر عرفانی اشاره می‌کند: عرفان و شعر عرفانی نگاهی ست هنری به الاهیات، چنان که حکیم نظامی، در مناجات‌ها، منقبت‌ها، معراج‌نامه‌ها، خلوت‌ها و مقاله‌هایش، با آن شناخت دقیقی که از فلسفه، حکمت، عرفان، نجوم و دیگر علوم زمان داشته است به عنوان گوینده‌ای هنر آفرین در عرصه الاهیات درخشیدن گرفته است، بویژه در چهار گنج نخستین: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر. این منظومه‌ها و گنج‌ها از حیث استواری سبک، صورت‌گری، خیال‌آفرینی، جزالت و انسجام کلام، ابداع در تعبیر، هنرمندی در بهره‌گیری از استعاره و تشبیه و انواع کنایه و مجاز، استناد دقیق و زیبا به آیات و روایات از ره گذر «تلمیح» و سرانجام «بکارگیری» استادانه اصطلاحات علمی، کلامی، نجومی و موازین شریعت اسلامی در جایگاه بلندی و بی‌هم سری ست. بدین بیت فاخر نظامی - که به گفته استاد سخن «سعدی»، «سهل ممتنع» می‌نماید

و براستی هم چنین است - بنگریم.

پای سخن را که درازست دست

سنگ سر بر پرده او سر شکست

این هنر نظامی ست که توانسته است از سر و دست و پای، تناسبی زیبا و بی‌زاویه بیافریند و به مدد این سحر آفرینی و تصویرگری شاه کاری هنری پدید آورد.

مفاخر ماندگار: در یک نگاه کلی سرفراز و فرود



عرفان و شعر عرفانی نگاهی است هنری به الاهیات. چنان که حکیم نظامی، در مناجات‌ها، منقبت‌ها، معراج‌نامه‌ها، خلوت‌ها و مقاله‌هایش، با آن شناخت دقیقی که از فلسفه، حکمت، عرفان، نجوم و دیگر علوم زمان داشته است به عنوان گوینده‌ای هنر آفرین در عرصه الاهیات درخشیدن گرفته است



نظامی در پنج گنج چگونه است؟ برخی معتقدند اوبا مخزن الاسرار آغاز می‌کند و با خسرو و شیرین و لیلی و مجنون فراتر می‌رود. در هفت پیکر به اوج می‌رسد و در اسکندرنامه، آن همه داعیه فراموش می‌شود!

براستی «چهار گنج نخستین» در اوج زیبایی و ابداع در تعبیرست، بویژه هفت پیکر و بی‌درنگ باید افزود که هنر متعالی و ارزش وجودی حکیم نظامی در این چهار گنج نمایان و متبلور است. حکیم نظامی در منظومه «اسکندرنامه» که از «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» فراهم آمده است، دیگر آن نظامی سراینده چهار گنج نیست و براستی عنوان «گنج» بر «اسکندرنامه» جفاست بر هنر نظامی.

مفاخر ماندگار: آیا «اسکندرنامه» نظامی را همان ارج و والایی ست که هفت پیکر بهرام بلند اختر ساسانی؟! و آیا سراینده «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» را همان دیدگاه حکیمانه و عارفانه است که نظامی آفریننده هفت گنبد باستانی؟!

اسکندر بی‌لنگر خود کامه‌ای که برای فروریختن ارکان فرهنگ و تمدن ایران زمین لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و به گفته «حکیم شهاب‌الدین سهروردی زنجانی در حکمت‌الاشراق» اصیل‌ترین آثار علمی، فلسفی، تاریخی و فرهنگی ایران باستان را به دیار یونان و روم می‌فرستد و پاره‌ای را در این شبیخون اهریمنی در آتش خشم خویش سوخته، به تلی از خاکستر تبدیل می‌کند، چگونه از «مدینه فاضله» دم زده، جاودانگی آرزو می‌کند؟!

هرگز! نظامی سراینده چهار گنج هنری، انتظار نمی‌رفت که از منابع جعلی و گزاره‌های دروغین بهره‌گیرد، تا آن‌جا که به ساخت «حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی» تعریضی دردناک روا دارد! در این زمینه نگارنده در کتاب «تصویری از پنج گنج نظامی» به تفصیل این نکته را توضیح داده است.

برای این که جانب انصاف هم رعایت شده باشد، حکیم نظامی در «اسکندرنامه» یا شرف‌نامه و اقبال‌نامه، از نظر لفظ و گفتار هم چنان در «اوج» ست، لیکن از نظر مفاهیم معنوی و محتوای سخن، دیگر

آن نظامی آفریننده «چهار گنج» فراموش می‌شود و منابع جعلی و ملاحظات صوری ملاک عمل قرار می‌گیرد. نعوذ بالله من الخذلان!

مفاخر ماندگار: عده‌ای معتقدند که نظامی در جوانی پیری کرده و در پیری جوانی کرده است! به عبارتی ابتدا منظومه تعلیمی سروده و سپس سراغ عاشقانه‌ها رفته است... دیدگاه شما در این باره چیست؟

حکیم نظامی گنجوی به گواهی اسناد معتبر تاریخی، نخستین گنج خویش - مخزن الاسرار - را در سن ۳۹ یا ۴۰ سالگی سرود. با توجه به تاریخ درگذشت نظامی - ۵۹۸ - دیگر آثار حکیم، تنها در فاصله ۲۳ سال فراهم آمده است. از این رونمی‌توان او را در ۴۰ سالگی «جوان» نامید، یا این همه، پیش از سرودن «مخزن الاسرار»، همه اهتمام نظامی در دوران توان‌مندی و به تعبیر شما «جوانی» مطالعه امهات کتاب‌های فلسفی، کلامی، نجوم، رمل و استرلاب بوده است و شناخت باورهای دینی شریعت اسلامی چون مکتب «اشعریان»، حنبلیان و دیگر فرقه‌های اسلامی و از سوی دیگر غور و بررسی دقیق سروده‌های عصر جاهلی و شعرهای «بحتری»، «کمیت»، ابونواس، فرزدق و...

این حکیم با چنین دستاوردهای علمی و اعتقادی، به سرودن منظومه «مخزن الاسرار» پرداخت؛ منظومه‌ای که از همان آغاز با این بیت گشایش می‌یابد.

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

پس «مخزن الاسرار» نظامی بازتاب اندیشه‌ها و تأثرات اوست از افکار فلسفی و کلامی و دیگر آموخته‌ها و تجربه‌های دینی وی و چنان که گفته آمد بی‌آن که از اعتبار «مخزن الاسرار» و ارزش‌های ادبی، ذوقی و ابداعی آن کاسته شود، در سه منظومه دیگر نظامی، جنبه‌های عاشقانه اندیشه‌های بلند وی، فزونی می‌گیرد و به اوج اعتبار می‌رسد.

مفاخر ماندگار: جنابعالی به عنوان یک استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی، نوآوری‌های

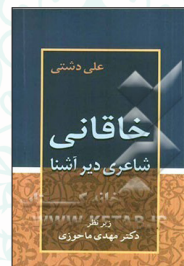
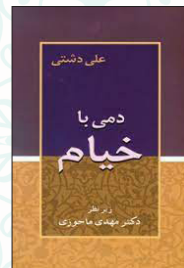


نظامی گنجوی به گواهی اسناد معتبر تاریخی، نخستین گنج خویش - مخزن الاسرار - را در سن ۳۹ یا ۴۰ سالگی سرود. با توجه به تاریخ درگذشت نظامی - ۵۹۸ - دیگر آثار حکیم، تنها در فاصله ۲۳ سال فراهم آمده است. از این رونمی‌توان او را در ۴۰ سالگی «جوان» نامید، یا این همه، پیش از سرودن «مخزن الاسرار»، همه اهتمام نظامی در دوران توان‌مندی مطالعه امهات کتاب‌های فلسفی، کلامی، نجوم، رمل و استرلاب بوده است





به عقیده بنده از میان گویندگان معاصر ایران، ایرج میرزا، فریدون مشیری، قائم مقام، میرزاده عشقی، رهی معیری، رعدی آذر خشی، گویندگانی نوآور بوده، چون فرخی یزدی مضامین هنری عرضه داشته‌اند و با آن ملکه زیبایی شناختی، از سرودهای امثال نظامی و مولانا و حافظ و سعدی الهام گرفته‌اند



نظامی را چگونه دسته بندی می کنید؟ به نظر می‌رسد او همانند آنچه که در شعر و اندیشه مولانا شاهد هستیم به سنت گذشتگان خود اهمیت می‌دهد و پایبند است اما گام فراتر می‌گذارد و از هنجارهای موجود پیشی می‌گیرد... همه می‌دانیم که نظامی گوینده قرن ششم و «مولانا جلال‌الدین محمد بلخی» گوینده قرن هفتم ه. ق. ست. چنین نیست که تنها نظامی از هنجارهای موجود پیشی می‌گیرد و امثال مولانا نوآوری ندارند. از حسن اتفاق، از مولانا در بیان فضیلت «شب معراج» در همین بحر سریع نظامی چند بیت می‌آوریم که در آن‌ها خلاف آمد عادت به چشم می‌خورد و از هنجارهای معمول در می‌گذرد:

بانگ بر آمد ز «خرابات» من
چرخ، دو تا شد، ز مناجات من
عاقبة الامر ظفر در رسید
یار در آمد، به مراعات من
جوش نهد در دل دریا و کوه
از تپش روز ملاقات من
گر نبیدی پرده، خیالات خلق
سوخته بودی ز خیالات من
در افق چرخ، زدی شعله‌ها
نیم شبان، آتش میقات من
هست «سماوات» در آن آرزو
تا نگردد سوی سماوات من

نظامی نیز در فضیلت «شب معراج» از هنجارهای معمول و متداول می‌گذرد و هنری متعالی عرضه می‌کند:

نیم شبان کان ملک نیمروز (ظهر)
کرد روان، مشعل گیتی فروز
نه فلک از دیده عمارتیش کرد
زهره و مه مشعله داریش کرد
روز شده با قدمش در وداع
ز آمدنش، آمده شب در سماع
با قفس «قالب» ازین دام گاه
«مرغ دلش» رفته به آرامگاه
چون دو جهان دیده بر او داشتند
سر ز پی سجده فرو داشتند

از گل آن روضه باغ رفیع
«ربیع» زمین یافته رنگ ربیع
بر سر هستی، قدمش «تاج» بود
«عرش» بدان مانده محتاج بود
بنابرین مولانا در دیوان شمس تبریزی و حافظ شیرازی در سروده‌های خود از هنجارهای معمول در گذشته، هنر آفرین شده‌اند. لیکن نظامی اندکی بیش تر.

مفاخر ماندگار: شعر نظامی بر شاعران گذشته و معاصر تاثیر داشته است؛ به نظر جنابعالی کدام یک از شاعران متقدم به خصوص افرادی چون ایرج، شهریار، شاملو، کسرابی و مشیری و... بیشترین تأثیر را از او گرفته‌اند؟ همچنین شاعران معاصر چگونه مضامین و مفاهیم نظامی را با ذوق زمان سازگار کرده‌اند؟

به عقیده بنده از میان گویندگان معاصر ایران، ایرج میرزا، فریدون مشیری، قائم مقام فراهانی، میرزاده عشقی، رهی معیری، رعدی آذر خشی، گویندگانی نوآور بوده، چون فرخی یزدی مضامین هنری عرضه داشته‌اند و با آن ملکه زیبایی شناختی، از سرودهای امثال نظامی و مولانا و حافظ و سعدی الهام گرفته‌اند و مضامین عصر نظامی را با تعبیری تازه و انگیزه بخش سروده‌اند.

مفاخر ماندگار: در پایان و جهت جمع‌بندی بفرمایید ارزیابی جنابعالی از کیفیت همایشی که از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی درباره نظامی برگزار شد چیست؟ این برنامه با کوشش‌های ریاست محترم و گرانمایه «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» آقای دکتر بلخاری و همکاران ارجمندشان باشکوهی تمام برگزار شد و در مجموع، ابعاد شخصیت حکیم نظامی گنجوی به همت استنادی جست و جوگر و نظامی‌پژوه و به موهبت سخنان از دل برآمده آنان تحلیل و تبیین گردید.

مریزاد دستی که مر خستگان را
دوای دل و راحت جان فرستد